



OPEN ACCESS



فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی



روش های دستیابی به منافع مادی کشور از طریق سیاست خارجی در دولت خاتمی و احمدی نژاد

صابر جهانبین^۱، مالک ذوالقدر^۲، فرشید جعفری پایبندی^۳

۵۶

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۱۲-۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۶-۲۴

صص: ۲۴۱-۲۵۶

شاپا جایی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده

هدف نوشتار حاضر بررسی روش های دستیابی به منافع مادی کشور از طریق سیاست خارجی در دولت خاتمی و احمدی نژاد بود که مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی انجام گردید. دولت خاتمی با در پیش گرفتن تعامل با دولت های غربی که اصولاً دارای اقتصاد مقتدری نیز بودند، موجبات تامین هر چه بیشتر منافع مادی کشور را فراهم سازد. لذا گذر زمان ثلث نمود که کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا، وای منافع مادی خویش، تابع برخی رویدادهای بین المللی هستند و تا زمانی که رخدادهای سیاسی بر وفق آنها باشد، پایبند رفتارهای خود خواهند بود. دولت احمدی نژاد با تجربه حاصله از رفتار دول غربی با دولت خاتمی، تصمیم به استفاده از تعامل به روشی دیگر گرفته و در این مسیر اعتقاد بر این داشت که کشورهای آمریکای جنوبی، آفریقایی و کشورهای در حال توسعه از پتانسیل هایی برخوردارند که در استفاده از آنها در کنار هم می توان منافع مادی کشور را تامین نمود. با این وصف، به نظر می رسد استفاده از دستگاه دیپلماسی در راستای تامین منافع مادی کشور، از سوی هر دو رئیس جمهور با رویکرد به تعامل با کشورها، راهکاری مناسبی بود که می توانست با اندکی بررسی کارشناسی بیشتر و همچنین ایجاد هماهنگی با سایر نهادهای غیردولتی داخلی از موفقیت های مناسبتری در دستیابی به منافع مادی، برای کشور حکایت نماید.

واژگان کلیدی:

سیاست خارجی، منافع مادی، تنش زدایی، رخداد منطقه ای و جهانی، اعتماد سازی.

۱: دانشجوی دکتری تخصصی سیاستگذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)
jahanbinsaber@yahoo@gmail.com

۲: استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۳: استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۱-مقدمه:

کشور پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، سیاستگذاری اولویت مناطق جنگی، جای خود را به سازندگی داد و از آنجایی که سازندگی، ملزومات مورد نیاز خود را می طلبد، لذا اتخاذ سیاست جذب سرمایه خارجی و تامین منافع مادی، از طریق سیاست خارجی آغاز گردید. تعامل به عنوان مهمترین ابزاری بود که در سیاست خارجی به جهت دستیابی به منافع مادی مطمئن و اثرگذار مورد توجه سیاستمداران کشور قرار گرفت، زیرا بوسیله آن علاوه بر جلب اعتماد سایر کشورها، احتمال بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت‌ها در حوزه اقتصاد فراهم می‌آمد. دولت خاتمی نیز ادامه دهنده همین مسیر بود و تلاش می‌کرد تا با افقی گسترده‌تر و با طرح موضوع گفتگوی تمدن‌ها، ارتباط با سایر کشورها را تقویت نماید تا از ماحصل آن، ضمن ارتقاء جایگاه سیاسی ایران در روابط بین‌الملل، از ظرفیت‌های آن بهره‌مند شود. اما این امر به تنهایی نمی‌توانست ضامن موفقیت دولت خاتمی محسوب گردد، زیرا تضمین پیاده‌سازی سیاست خارجی بی‌شک ارتباط مستقیمی با رخدادها و فضای حاکم بر نظام حکمرانی داخلی داشت. بنابراین تمایز بین تفکرات حاکم بر دولت و علی‌الخصوص دستگاه سیاست خارجی با برخی جریان‌های داخلی، مانع از آن می‌گردید تا اهداف دولت به صورت کامل به منصه ظهور دست یابد، هر چند که هر دو طرف (دولت و جریان مخالف) از مقبولین نظام اسلامی و دارای اهداف مشترک ولی با روش‌های متفاوت بودند. اما در عمل از سرعت اجرای برنامه‌های دولت کاسته می‌شد. بنابراین سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که اصولاً، دولت خاتمی برای تامین منافع مادی بوسیله سیاست خارجی، نیازمند کدام ابزار بود؟ و آیا عوامل خارج از بدنه دولت، می‌توانست در موفقیت یا عدم موفقیت دولت در این حوزه موثر باشد؟ با این وصف، با پایان دولت خاتمی و روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، او نیز با قصد بهره‌مندی حداکثری از توان سیاست خارجی از ابزار تعامل استفاده نمود. اما احمدی‌نژاد با شناسایی نقطه آسیب‌پذیر اجرای برنامه‌های دولت خاتمی، به این نتیجه دست یافت که تعامل با جهان خارج صرفاً یک روی سکه تامین منافع مادی کشور محسوب می‌گردد و روی دیگر آن هموار نمودن موانع داخلی در دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده است. بنابراین او تلاش نمود تا با انجام برخی تغییرات در جامعه هدف سیاست خارجی، از مسیردیگری به پیاده سازی برنامه‌های دولت خویش در تامین منافع مادی بوسیله دستگاه دیپلماسی کشور بیاندیشد. بنابراین احمدی‌نژاد تلاش نمود تا ابتدا فضای سیاسی داخلی را با خود همراه سازد تا با پشتوانه سیاست داخلی، موضعی جدید و همسو با سیاست‌های کلی نظام در روابط خارجی ایجاد نماید. در اوضاع داخلی او سیاست نزدیکی به اقلشار ضعیف جامعه و ایجاد ارتباط بیشتر با آنها را که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند اتخاذ نمود و رویکردش در سیاست خارجی، برنامه ریزی برای توسعه ارتباط با کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و اصولاً کشورهای در حال توسعه بود. هر چند که او نیز در اجرای برنامه‌های خود با مشکلاتی همراه بود که تامین منافع مادی کشور را با موانعی جدی مواجه می‌ساخت. لذا در خصوص تلاش‌های احمدی‌نژاد نیز سوالاتی بر ذهن تداعی گردید با این مضمون که، دلایل رویکرد احمدی‌نژاد به کشورهای در حال توسعه و ایجاد ارتباط و تقویت آن با کشورهای فوق در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی بر چه مبنایی استوار بود؟ و اینکه تا چه میزان با توجه به نظریه‌های علمی، این موضوع می‌توانست تضمین کننده منافع مادی کشور در جهان امروز باشد؟ و کدام مشکلات مانع از اجرای برنامه‌های او در تامین منافع مادی کشور می‌گردید؟

۲- مدل‌های سیاست خارجی در تامین منافع مادی

اصولاً اندیشمندان در حوزه علوم سیاسی، با استفاده از برخی مصادیق، اقدام به تنظیم مدل‌هایی برای دستیابی به یک سیاست خارجی بر محور تامین منافع مادی اقدام نموده که برخی از آنها به شرح زیر می باشد

۲-۱- مدل اثرپذیری تامین منافع مادی از واکنش‌های درونی جامعه

به نظر می‌رسد در رابطه بین سیاست خارجی و تامین منافع مادی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد، به عبارت دیگر در این نوع رابطه علاوه بر آنکه سیاست خارجی توانایی اثرگذاری بر سیاست‌های تامین منافع اقتصادی را دارد، منافع مادی نیز به نوبه خود می‌تواند بر سیاست خارجی اثرگذار بوده و جایگاه دولت را در سیاست خارجی با توجه به ثروت بدست آمده، در بین دول منطقه و جهان استحکام بخشد. بر این اساس، ابتدا باید به این نکته توجه نمود که دولت اصولاً، مجموعه نهادها و سازمانهای است که بعنوان بازیگران اصلی و محوری در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در یک کشور ایفای نقش می‌نماید و این نقش و بازیگری از سوی دولت‌های خارجی نیز مورد قبول قرار دارد «به همین دلیل، هر رفتار یا واکنشی که به لحاظ درونی در ساختار دولت صورت می‌پذیرد می‌تواند علاوه بر بازخوردهای داخلی، در پاره‌ای از مواقع بازخوردهای خارجی را نیز به همراه داشته باشد. بنابراین واکنش‌های صورت گرفته به رفتار دولت ابتدا از سوی نیروهای اجتماعی صورت خواهد پذیرفت، به عبارت دیگر عملکرد دولت، اعم از آنکه موفقیت آمیز باشد یا نباشد، ابتدا در بستر مهمی به نام جامعه رخ خواهد داد» (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۱۷). لذا اولین واکنش‌ها را از نیروهای اجتماعی شاهد خواهیم بود. به زبان ساده‌تر اینکه، دولتی که خود از درون کنش‌ها و واکنش‌های جامعه به قدرت دست یافته است، اینبار به مرحله‌ای دست می‌یابد که کنش‌های او با واکنش‌های جامعه مورد سنجش واقع خواهد شد و حتی دولت در تلاش بر کنترل نیروهای اجتماعی بر خواهد آمد. همچنین کارکردهای دولت می‌تواند در حوزه های مختلف از جمله اقتصادی، نظامی و اجتماعی گسترش یابد، و لذا اقدامات متعددی در این حوزه انجام خواهد داد و گاهی به تعدیل برخی اختلافات با جامعه خواهد پرداخت و در شکلی دیگر، منافع مادی را در بین گروههای مختلف اجتماعی توزیع خواهد نمود و در پاره‌ای از مواقع با برخی از نهادهای جامعه به مخالفت پرداخته و برخی دیگر را مورد ستایش قرار می‌دهد

۲-۲- مدل رویکرد به منافع اقتصادی (مادی)

منافع اقتصادی و تلاش در دستیابی به بهترین و کم‌هزینه‌ترین منفعت مادی از سوی کشورها، موجب شده حتی در اکثر دسته بندی‌های سیاسی کشورها در کل جهان، بحث اثرگذاری اقتصادی بر جامعه جهانی یکی از معیارهای مهم محسوب گردد، به همین منظور کشورها تلاش می‌نمایند تا در روابط بین‌المللی خود، موضوع اقتصاد را به عنوان یک محور و مبنای مادی در نظر گرفته و در تقویت آن تلاش نمایند.

بنابراین آنچه که «در جامعه جهانی و حضور کشورها و فعالیت‌های اقتصادی آنها محرز شده، این است که اقتصاد توانسته، سیاست‌های اتخاذی کشورها در حوزه سیاست خارجی را نیز تحت الشعاع قرار دهد، بنابراین آنها با محور قرار دادن ابعاد و مولفه‌های اقتصادی، سیاستگذاری در حوزه سیاست خارجی را برنامه‌ریزی می‌نمایند» (ظریف، ۱۳۹۲: ۵۱).

یکی از اندیشمندان در حوزه علوم سیاسی معتقد است که برخی از کشورها، به یک درک صحیح از ارتباط بین سیاست خارجی و اقتصاد و بازار هدف دست یافته‌اند، او معتقد است که «این درک صحیح، به جهت خلایی که از عدم حضور برخی کشورهای دیگر به جهت بی توجهی به اقتصاد و ارتباط آن با سیاست خارجی، ایجاد شده، منفعی را برای کشورهای دسته اول ایجاد نموده است، زیرا کشورهای دسته اول، توانسته‌اند با برخی چرخش‌های جزئی در سیاست خارجی و همسو نمودن خود با برخی کشورهای ضعیف‌تر، محصولات آنها را ارزان تر خریده یا محصولات خود را به آنها با قیمت مناسب‌تر بفروشند، و در هر دو صورت، منافع مادی مناسبی را برای کشور خود ایجاد نمایند» (فوکست و برومر^۱، ۲۰۲۳). با این وصف هر زمان که در سیاست خارجی، موفقیتی حاصل آید، این موفقیت بی‌تأثیر بر دو امر نخواهد بود، اول موجب افزایش اقتدار و تثبیت جایگاه بین‌المللی خواهد شد و دوم موجب ایجاد تغییر مثبت در ثروت مردم جامعه خواهد شد، زیرا «سیاست خارجی که به صورت موازی با اقتصاد برنامه‌ریزی گردد، با منافع مادی موثر بر افزایش ثروت مردم جامعه، مرتبط می‌باشد.» (اسپوهر و سیلوا^۲، ۲۰۱۷). لذا تعاملی که بین سیاست خارجی و اقتصاد ایجاد می‌گردد می‌تواند نتایج متعددی را نیز به همراه داشته باشد در اولین گام می‌توان به این نتیجه دست یافت که تعامل بین سیاست و اقتصاد، موجب افزایش درآمد ملی و منافع مادی کشور خواهد شد و تغییر مثبت در وضعیت اقتصادی، حتی می‌تواند موجبات تغییر در قدرت نظامی را نیز فراهم سازد، زیرا یکی از مولفه‌های افزایش قدرت نظامی، استفاده از تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته است که این امر با بهبود وضعیت مالی کشور ایجاد می‌گردد. دومین نتیجه‌ای که از تعامل بین سیاست خارجی و اقتصاد می‌توان انتظار داشت، یافتن جایگاهی مطمئن و موثر در بازارهای جهانی است، هر میزان این جایگاه از تثبیت بیشتری برخوردار باشد، تمایل سایر کشورها در ایجاد مبادله تجاری با کشور، بیشتر و این امر خود ورود سرمایه را تقویت خواهد کرد.

۲-۳- مدل اثر پذیری منافع مادی کشورها از رخدادهای منطقه‌ای و جهانی

در چند دهه اخیر، جهان تغییرات زیادی در حوزه های سیاسی تجربه نموده است، این تجربیات به اندازه‌ای عمیق و اثر گذار بوده که شاید در طول عمر بشر، چنین تغییراتی تجربه نگردیده بود. پیروزی انقلاب اسلامی، احیاشدن جنبش‌های انقلابی، شکستن دیوار برلین، از هم پاشیدن دولت شوروی سابق و ظهور کشورهای آسیای میانه و بسیاری از تحولات دیگر، موجب شد تا کشورها با چند مولفه مهم مواجه گردند:

اول اینکه، با «ظهور کشورهای جدید یا به عبارتی دولتهای جدید، خط مشی سیاسی جدیدی در جهان بوسیله کشورها ایجاد گردید، که نمونه بارز آن، کشورهای آسیای میانه و جمهوری‌های استقلال یافته شوروی سابق بود که موجب شد تا تصمیمات پیرامون سیاست خارجی از سوی قاره اروپا و آمریکا پیرامون آسیا با تغییراتی مواجه گردد» (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۹۹). دومین وضعیتی که در حوزه سیاسی و اقتصادی ایجاد شد، عدم توانایی برخی از این کشورها در حوزه های اقتصادی بود، زیرا برخی از آنها فاقد زیرساخت های کامل بوده و همین امر موجب می گردید، تا آنها با مشکلاتی در این حوزه مواجه گردند.

1 - Fouquet, & Brummer
2 - Spohr & Silva

سومین وضعیت ظهور برخی گروههای فاسد در منطقه خاورمیانه از جمله داعش و گروههای تکفیری بود که موجب گردید تا برخی از کشورها، همچون سوریه و عراق که اثرگذاری زیادی بر اقتصاد و سیاست منطقه خاورمیانه داشتند، با انبوهی از خسارات مادی و فرهنگی مواجه شده و آسیب های فراوانی به زیرساخت های آنها وارد آید.

«همه این عوامل موجب گردید، تا کشورهای کمتر خسارت دیده، همچون ایران، ترکیه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به دنبال آن باشند تا با فعال نمودن بخش تولیدات و صادرات خود، از وضعیت حاضر بهره برداری کرده و ضمن ارائه تولیدات و خدمات به کشورهای مربوطه، منافع مادی کشور خود را نیز با اتخاذ یک سیاست خارجی مناسب مورد حمایت قرار دهند. در این میان کشور ایران دارای وضعیت ویژه ای بود که اغلب آن مربوط به مشکلات ناشی از تحریم های اقتصادی بر ایران بود، تحریم های فوق موجب شد تا ایران صرفا به دنبال حفظ وضعیت موجود خود بوده و تلاش نماید تا با اتخاذ سیاست خارجی مناسب با وضعیت موجود، در حوزه اقتصاد و منافع مادی، حمایت های لازم را از آن به عمل رساند» (امینیان و زمانی، ۱۳۹۶: ۴۷).

۲-۴- مدل اتخاذ سیاست تنش زدایی

قطع به یقین، نمی توان با کشوری تنش سیاسی داشت، ولی انتظار بر آن رود که مبادلات تجاری و یا دیپلماسی اقتصادی با فرایندی عادی و معمولی انجام پذیرد، این دو عامل یعنی تنش و مبادلات اقتصادی نمی تواند در یک ظرف گنجانده شود، زیرا حتی در صورتی الزام بین دو کشور در ایجاد رابطه و مبادلات تجاری، سیاست داخلی کشورها مانع از انجام کامل مبادلات تجاری بین دو کشور خواهند بود بنابراین در وهله اول، کشوری که در برنامه ریزی های سیاست خارجی خود، از آن بعنوان ابزاری در راستای منافع مادی خود بهره مند می شود، «باید از هرگونه ایجاد تنش با کشورهای مورد نظر پرهیز نماید بنابراین در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی از جمله رموز موفقیت در این حوزه محسوب می گردد» (عرب، ۱۳۹۸: ۴۴). این موضوع در سطح وسیع تر نیز از بازخوردهای گسترده تری برخوردار خواهد بود به عنوان مثال در صورتی که کشوری سیاست تنش زدایی را در پیش گرفته و به عضویت سازمان بزرگ و مهمی چون تجارت جهانی ملحق گردد، بازاری به وسعت کل جهان، برای فعالیت های اقتصادی آن کشور گشوده می شود که می تواند تضمینی بر تامین منافع مادی باشد بنابراین با حضور در چنین فضایی، سایر کشورها نیز با مبادلات اقتصادی کشور مورد نظر آشنا شده و این امر حتی می تواند موجب انعقاد قراردادهای کلان و سرمایه گذاری سایر کشورها در کشور موصوف گردد. بنابراین تنش زدایی در سیاست خارجی یکی از مهمترین و محوری ترین امور در تامین منافع مادی هر کشوری محسوب می گردد.

۲-۵- مدل اتخاذ سیاست اعتماد سازی

«اعتماد سازی می تواند به منزله پلی باشد بین سیاست خارجی و ایجاد ارتباط مستحکم با دیگر کشورها، زیرا کشوری که به دنبال تامین منافع مادی خود از طریق سیاست خارجی خویش است، باید ابتدا یک فضای مملو از اعتماد را برای طرف دیگر ایجاد نماید، این امر می تواند بازخوردهای مثبت فراوانی را به دنبال داشته باشد اول اینکه، ایجاد اعتماد در بین روابط سیاسی، خود اعتباری را برای کشورها ایجاد می نماید که آن اعتبار با هیچ ارزش نقدی قابل معامله نخواهد بود» (محمدی سیرت، ۱۳۹۹: ۴۳). با این وصف به نظر می رسد که اعتماد سازی نیازمند برخی پیش نیازها و استقرار آنها در نظام داخلی باشد تا تبلور اجرای

آن در داخل، بازخوردی به نام اعتمادسازی در سیاست خارجی را جلوه گر سازد. از جمله می توان به قانونمندی و چارچوب های قانونی و رعایت آنها در کشور در حوزه های مختلف از جمله اقتصاد و تجارت اشاره نمود، پرهیز از فساد اقتصادی و کاهش آن، مبارزه با رانت و پولشویی از جمله مصادیقی است که در صورت اجرای کامل در داخل کشور، می تواند این اطمینان را در سرمایه گذاران خارجی ایجاد نماید که، بستر های لازم برای انجام مبادلات تجاری و سرمایه گذاری فراهم گردیده است. در چنین شرایطی، سیاست خارجی نیز با اتکا به قانونمداری در نظام داخلی، تلاش و فعالیت خود را برای برنامه ریزی در جهت تامین منافع مادی معطوف خواهد نمود. از دیگر پیش نیازها در این حوزه که می تواند در تامین منابع مادی یک کشور و تبلور آن در سیاست خارجی موثر باشد بحث، اراده سیاستمداران در حمایت از تجارت بین المللی و همچنین فراهم نمودن بسترهای لازم همچون کاهش یا حذف معافیت های گمرکی و امثال آن می باشد که رفتارهای اینچینی می تواند این اعتماد را در بازرگانان و تجار خارجی ایجاد نماید که دولت مذکور، منافع آنها را در نظر گرفته و آنها از بابت سرمایه گذاری یا معامله تجاری با آن، به سود مناسب دست خواهند یافت بنابراین اعتماد سازی را باید یکی از عوامل مهم در تامین منافع مادی در مسیر سیاست خارجی کشورها محسوب نمود.

۲-۶- مدل اتخاذ سیاست شفاف سازی

در بحث گذشته به موضوع اعتماد سازی اشاره گردید، این توضیح لازم است که اعتمادسازی زمانی در سیاست خارجی به منصه ظهور خواهد رسید که شرایط برای اثبات آن در کشور فراهم باشد. این شرایط بوجود نخواهد آمد مگر با شفاف سازی. «در خصوص شفاف سازی باید به این نکته اشاره کرد که اجرای بسترهای لازم برای اعتمادسازی زمانی موثر خواهد بود که اقدامات شفاف و بدون ابهام باشد به عنوان مثال اگر قانونمداری در کشور، محور فعالیت های دولت و ارکان دولتی قرار گرفته ، این موضوع باید شفاف سازی شده تا دیگران اعم از داخل یا خارج از کشور، به این نکته دست یابند که قوانین از ابهام و ابهام در حمایت از تجارت و بازرگانی بین المللی و حتی مقیاسهای سیاسی، برخوردار نبوده و همه ابعاد آن روشن و مشخص می باشد» (یوسفی، ۱۳۹۲: ۳۳)

۳- سیاست خارجی دولت خاتمی در تامین منافع مادی از طریق کشورهای منطقه

اولین گام های موثر در خصوص، توجه به تامین منافع مادی بوسیله کشورهای منطقه، در زمان هاشمی رفسنجانی آغاز گردید. هر چند که برخی از اقدامات تا قبل از آن صورت پذیرفته بود، اما از اثرگذاری مناسبی برخوردار نبود، فضای حاکم بر روابط ایران و کشورهای خلیج فارس در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، از وضعیت امنیتی و دشمنی به وضعیت ثبات و شریک تجاری تبدیل گردید و تلاش شد تا با بهره گیری از ثروت کشورهای مذکور، اقتصاد ایران به منافع مادی مناسبی دست یابد. شاید در این مقطع زمانی، مهمترین تصمیمی که ایران در قبال کشورهای خلیج فارس اتخاذ نمود، تعدیل نمودن سیاست صدور انقلاب بود که همین امر موجب شود تا دیدگاه برخی از کشورهای بزرگ منطقه خلیج فارس همچون عربستان سعودی به ایران، دیدگاهی مثبت یابد (وری^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). با حضور خاتمی در راس دولت، و ادامه مسیری که هاشمی

رفسنجانی در آن گام گذاشته بود موجب شد تا تفکر ابداعی او در خصوص گفتگوی تمدن‌ها، موجب جذب کشورهای منطقه، علی‌الخصوص عربستان سعودی شود به نحوی که در زمان خاتمی ارتباط مسیر هوایی بین ایران و عربستان تقویت گردید. لذا «تفکر خاتمی در سیاست خارجی اصولاً مبتنی بر ایجاد رابطه با استفاده از مقوله‌های فرهنگی از جمله مقوله گفتگوی تمدن‌ها بود، او با استفاده از این نظریه، از ایجاد فضای تهدید و ارعاب در بین همسایگان و منطقه پرهیز می‌نمود و همین امر موجب شد تا کشورهای منطقه نیز به این نتیجه دست یابند که او قصد دارد با سیاست ایجاد مشارکت و ائتلاف با همسایگان خود، روابط فی‌مابین را بهبود بخشیده و آن را تقویت نماید» (سیمبر، رضاپور و آذین، ۱۳۹۹: ۵۳).

خاتمی در گام‌های نخستین خود در بهبود فضای منطقه و تثبیت جایگاه ایران در کشورهای منطقه، تلاش را بر ایجاد روابط صمیمی با کشور عربستان متمرکز نمود، زیرا خاتمی بر این امر آگاه بود که تقویت ارتباط با عربستان موجب می‌شود تا سایر کشورهای عربی نیز به تبعیت از عربستان، در تقویت ارتباط خویش با ایران بکوشند. همین امر تغییر فضای سیاسی منطقه را موجب شده و ایران توانست در آن زمان در جهت تامین منافع مادی خود برخی از ملزومات منطقه ای را که نیاز به همکاری با کشورهای منطقه بود را بدست آورد که از جمله آن می‌توان به توافق با عربستان در مبارزه مشترک با پولشویی و قاچار مواد مخدر اشاره نمود (الطرافی^۱، ۲۰۱۲).

۴- سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد در تامین منافع مادی از طریق کشورهای منطقه

احمدی نژاد پس از تشکیل دولت و در برآورد کلی فضای سیاسی کشور، به این نتیجه دست یافت که در کلیت نظام در خصوص موضوع رابطه با کشورهای منطقه، نقطه اشتراک بر تقویت و بهبود این رابطه بوده و اجماعی فراگیر بر این موضوع پدید آمده است. او نیز با علم به این امر تلاش نمود تا در برنامه‌ریزی‌های سیاست خارجی پیرامون کشورهای منطقه در نقطه عمل‌گرایی تغییراتی را ایجاد نماید و سپس با تغییر برخی روش‌های اجرایی، به حفظ وضع موجود کمک نماید. این موضوع می‌توانست علاوه بر اینکه جایگاه او را در بین سران کشورهای عربی قوت بخشد، در داخل نیز شمار زیادی از اشخاص مطرح جامعه را با خود همراه سازد که در هر دو صورت می‌توانست از آن به عنوان یک پیروزی در ابتدای شروع به کار در ریاست جمهوری نام برد (مولوی^۲، ۲۰۱۰). تداوم سیاست توجه به کشورهای منطقه، موجب شد تا اولین بازخوردها جلوه گر گردد. در این خصوص دعوت احمدی نژاد به نشست شورای همکاری خلیج فارس در پی حمایت قطر از ایران و سفر او به عنوان اولین رئیس‌جمهور بعد از انقلاب بنا بر دعوت رسمی به بحرین را می‌توان مورد اشاره قرار داد. نتیجه سفر احمدی‌نژاد به بحرین یک دستاورد در حوزه منافع مادی نیز برای ایران به همراه داشت و آن انعقاد قرارداد تامین گاز طبیعی برای این کشور بود که مورد توجه دیگر کشورهای منطقه قرار گرفته و به نوعی یک گام موثر در جهت کسب منافع مادی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد. بنابراین احمدی‌نژاد که از انجام مراوده با کشورهای عربی به نتایج مناسبی دست یافته بود، میانجیگری عمان برای کاهش اختلافات در خصوص هسته‌ای بین ایران و آمریکا را نیز پذیرفت. که این امر موجب شد تا کشورهای منطقه عربی، از اینکه یک کشور منطقه به عنوان میانجی در اختلافات بین‌المللی ایران و آمریکا حضور دارد، نگاه مثبتی به ایران

1 -Altoraifi

2 -Molavi

داشته باشند. از سوی دیگر احمدی نژاد تلاش نمود تا با سایر کشورهای همسایه از قبیل ترکیه، کویت و سوریه روابط خود را بیشتر و فضای گسترده‌ای را در سیاست خارجی ایجاد نماید.

۵- سیاست خارجی دولت خاتمی در تامین منافع مادی از طریق کشورهای جهان

رخدادهایی قبل از ریاست جمهوری خاتمی تا بازه زمانی ریاست جمهوری او در عالم سیاست به وقوع پیوست، که یک حرکت اشتباه از طرف دولت ایران می‌توانست مشکلات عدیده‌ای را ایجاد نماید. به همین منظور خاتمی در گام اول، تلاش نمود تا موضوع اصلاحات را در جامعه مورد توجه و گسترش قرار دهد، این واژه می‌توانست معانی متفاوتی را به لحاظ ادبیات علوم سیاسی، به همراه داشته باشد و حداقل منفعت آن برای ریاست دولت‌های هفتم و هشتم، این بود که زمینه‌های برخی از تغییرات در سطوح فکری و مدیریتی در جامعه ایجاد گردد (طارمی و مرادی، ۱۳۹۳: ۶۷).

اما سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا خاتمی در مواجهه با نظام بین‌المللی چنین سیاستی را برای سیاست خارجی خود انتخاب نمود؟ یا اینکه جامعه نظام بین‌المللی از ایران مطالبه چنین سیاستی را می‌نمود؟ و اصولاً این سیاست انتخابی چه کمکی می‌توانست با توجه به وضعیت جامعه جهانی به تامین منافع مادی ایران بنماید؟ در پاسخ باید به این نکته اشاره نمود که در سال ۱۳۷۶ که خاتمی بر مسند ریاست جمهوری ایران ایستاد، نظام بین‌المللی نیز از رخدادهایی رنج می‌برد که اگر جایگاه ایران و نقش بین‌المللی او به همان صورت باقی می‌ماند می‌توانست موقعیت ایران را با خطرات جدی مواجه سازد. مهمترین رخدادهای جهانی در این حوزه عبارت بودند از:

۱- دولت‌های اروپایی شاهد وقایع کشور یوگسلاوی و تجزیه آن بودند که منجر به بحران بالکان گردید، این امر موجب شد تا جنگ‌هایی خونین در آن منطقه از اروپا رخ دهد. که این امر می‌توانست در کمربندی امنیتی اروپا و اتحاد اروپا مشکلاتی را ایجاد نماید و موجب اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه از سوی اتحادیه اروپا گردد.

۲- در منطقه خاورمیانه و آسیا دو اتفاق ویژه می‌توانست اثراتی بر سیاست خارجی ایران گذاشته و آن را تحت تاثیر قرار دهد اولین اتفاق، امور اجرایی به صورت کامل در عربستان با توجه به در قید حیات بودن ملک فهد به ولیعهد عربستان (عبدالعزیز) واگذار شد که البته این موضوع در سال ۱۹۹۵ صورت پذیرفت ولی بازخوردهای آن برای ایران از سال ۱۹۹۷ آغاز گردید که می‌توانست وضعیتی خوشایند برای دولت ایران محسوب گردد و دوم اینکه در دیگر همسایه ایران (ترکیه) کودتای ارتش ترکیه بر علیه حزب اسلام گرای ترکیه صورت پذیرد (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۴۴).

۳- اما در حوزه تجارت بین‌المللی نیز به جهت وقوع برخی بحران‌ها در شرق آسیا که در سال ۱۹۹۸ روی داد، بسیاری از کشورهای مهم منطقه مذکور از جمله مالزی با بحران‌های شدید اقتصادی مواجه شدند که می‌توانست زنگ هشدار برای ایران در ارتباط تجاری با کشورهای شرق آسیا باشد (کریمی دستانی، ۱۳۹۷: ۱۷) لذا همه کشورها از جمله ایران، تلاش می‌نمودند برای بازار محصولات خود، مناطق دیگری را انتخاب نمایند تا از اثرات بحران اقتصادی دور بمانند.

۶- سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد در تامین منافع مادی از طریق کشورهای جهان

اما سیاست تعاملی دولت احمدی‌نژاد در سیاست خارجی برخلاف دولت خاتمی، از گستردگی زیادتری برخوردار بود. احمدی‌نژاد می‌دانست که مواد اولیه معدنی و نیروی کار ارزان و همچنین وجود ظرفیت‌های تجاری جدید در کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی می‌تواند اقتصاد در حال توسعه ایران را از چالش جدی تولید بدون وجود بازار فروش برهاند. با این وصف او تلاش کرد تا تعامل دولت ایران را با دولت‌های کشورهای مورد نظر، تقویت و زمینه‌های فروش محصولات داخلی در این کشورها را فراهم سازد تا بدین وسیله، موجب ارز آوری در کشور گردد که خود درواقع همان تامین منافع مادی بود اما در طی این مسیر با مشکلاتی نیز مواجه بود که عبارت بودند از:

۶-۱- اقدام سازمان‌های بین‌المللی و صدور قطعنامه‌ها: از جمله مشکلاتی که احمدی‌نژاد با آن مواجه بود موضوع موانعی ایجاد شده توسط سازمان‌های بین‌المللی (علی‌الخصوص سازمان ملل و آژانس انرژی هسته‌ای) بود که با توجه به سیاست‌های خصمانه برخی از قدرت‌ها نسبت به ایران و فعالیت قانونی هسته‌ای، اقدام به صدور قطعنامه‌های می‌نمودند که می‌توانست سرعت حرکت ایران در دستیابی به تامین منافع مادی را با کندی مواجه سازد. در این میان، اجماعی فراگیر در داخل کشور در مقابله با قطعنامه‌های فوق تشکیل شده و عزم ملی بر ادامه مسیر هسته‌ای شدن ایران قرار گرفت. همین امر موجب می‌شد تا مراجع صادر کننده قطعنامه‌ها، ایجاد محدودیت برای برنامه‌های اقتصادی را در راس امور خود قرار داده و با اعمال تحریم‌ها به نوعی کشور و مسئولین را تحت فشار قرار دهند. که البته واکنش احمدی‌نژاد به قطعنامه‌های فوق، بی‌اعتنایی و ممارست در ادامه مسیر بود (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۹).

۶-۲- سیاست دشمنی با رژیم صهیونیستی: صدور قطعنامه‌های بین‌المللی علیه ایران، این فرصت را برای دشمنان کشور ایجاد نمود تا با بزرگنمایی و ایجاد تبلیغات منفی تا حد امکان به ایران و منافع آن ضربه وارد سازند. از جمله این دشمنان می‌توان به رژیم صهیونیستی اشاره نمود که با اقدامات تبلیغاتی گسترده، تلاش بر افزایش تحریم‌ها می‌نمود. احمدی‌نژاد نیز در پاسخ به این موضوع اقدام به طرح موضوع هولوکاست و زیر سوال بودن واقعیت آن در سخنرانی‌های داخلی و خارجی نمود. اثر این سخنرانی‌ها و آثار آن از چنان بازخوردی برخوردار بود که واکنش رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای مرتبط با این موضوع را در پی داشته و میزان این بازخورد بیانگر میزان مقابله موثری بود که ایران با تحرکات تبلیغاتی خود بر علیه دشمنان ایجاد نمود. این موضوع موجب شد تا دیدگاه جهان نسبت به موضوع هولوکاست با تردید مواجه شده و همین امر تا مدت‌ها ادعای یهودیان تندرو را با چالش مواجه نمود (چترچی، ۱۴۰۱: ۶۹).

۷- بازخورد کشورها در تامین منافع مادی دولت خاتمی با سیاست تعامل

اتخاذ سیاست خارجی بر محور تعامل از سوی خاتمی، موجب گردید، تا نظام بین‌الملل، نیز از فضای حاکم استقبال نماید. لذا به نظر می‌رسد سیاست خارجی اتخاذی از سوی خاتمی، از ظرفیت‌های جدیدی در این حوزه برخوردار بوده موجب ظهور آنها شود که به دو نمونه مشهود آن اشاره می‌گردد

۷- ۱- جذب سرمایه خارجی: یکی از مهمترین نتایج در اتخاذ سیاست خارجی مناسب در هر دولتی، ایجاد رغبت در سرمایه گذاران خارجی، جهت ورود سرمایه به داخل کشور است، دولت خاتمی تلاش نمود تا با ورود به سرمایه به سه معضل اصلی جامعه ایران یعنی؛ عدم وجود خط مشی مناسب در ورود به بازارهای جهانی، عدم وجود شغل در جامعه و سوم افزایش جمعیت بیکار در کشور پردازد (دیانت و نجات پور، ۱۳۹۶: ۱۴۶). ورود سرمایه خارجی به کشور می توانست از چند جهت حائز اهمیت باشد اولاً، با ورود سرمایه خارجی، تکنولوژی به دنبال آن وارد کشور می گردید، ثانیاً، با ورود سرمایه گذار خارجی، فضای عمومی به نفع کشور گردیده و بر رغبت ورود سایر سرمایه گذاران نیز افزوده می شد، ثالثاً، سرمایه گذار خارجی با خود ایده و طرح و صنعت را وارد می نمود و در صورت وجود صنایع مشترک در ایران، رقابت بین سرمایه گذار داخلی و خارجی شدت می یافت که نتیجه آن به نفع جامعه لحاظ می گردید. همچنین، وجود نیروی کار متخصص (تحصیلکردگان) و همچنین ایجاد شغل و گردش مالی فراوان داخلی، موجب افزایش ثروت و قدرت اقتصادی دولت را فراهم می ساخت که تمام این فرایند می توانست به نوعی حتی در افزایش اقتدار سیاست خارجی ایران و ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین المللی موثر واقع گردد. خاتمی با آگاهی از مقررات و قوانین حاکم بر وضعیت اقتصادی ایران، به این نتیجه دست یافت که نقص در قوانین و عدم همسویی آن با قوانین بین المللی موجب شده تا در سطوح بین المللی، با نظام ناکارآمدی مالی اقتصادی، کشورها رغبتی بر انجام تبادلات تجاری نداشته باشند

با این وصف خاتمی به این نتیجه دست یافته بود که هر چند سیاست خارجی تعامل با جهان و جذب حداکثری سرمایه گذاران خارجی، در جهت بهبود منافع مادی، بسیار موثر خواهد بود، اما اگر در داخل کشور، بسترهای لازم مهیا نباشد، ورود سرمایه خارجی، پس از مدتی، به جهت برخی موانع قانونی، نتیجه مطلوبی را عاید کشور نخواهد نمود. لذا خاتمی اقدام دیگری نیز در مسیر توسعه اقتصادی و تامین منافع مادی برای ترغیب سرمایه گذاران خارجی جهت ورود به سرمایه به ایران را در دستور کار دولت قرار داد و آن عبارت بود از:

- ایجاد تغییراتی مثبت در قوانین مربوط به مناطق تجارت آزاد

- معافیت گمرکی مناطق آزاد در مقوله صادرات و واردات

اما اقدامات اقتصادی خاتمی در ادامه سیاست خارجی به موضوعات فوق منتهی نگردید، بلکه با توجه به درک صحیح از موضوع اقتصاد جهانی، دولت خاتمی با استفاده از قواعدی مبتنی بر قرارداد بیع متقابل اقدام به روشی دیگر در جذب سرمایه های خارجی نمود تا بدین وسیله، درصد دیگری از سرمایه گذاران را که در انتقال سرمایه به ایران دارای تردید بودند را جذب نماید (امیدی و قلمکاری: ۱۳۹۸: ۵۸). این ایده دولت خاتمی موجب شد تا سرمایه گذاران خارجی در اقصی نقاط جهان در حوزه های پتروشیمی، نفت و گاز، سرمایه خود را به ایران سرازیر نمایند. به دنبال این امر نظام بین المللی نیز با توجه به افزایش رغبت سرمایه گذاران خارجی به ایران، موضوع گفتگوی تمدن ها را به عنوان پیام سال در جهان اعلام نمود که این عمل موجب شد تا با توجه به سیاست خارجی تعامل برگرفته از سوی خاتمی، جایگاه سیاسی ایران در نظام بین الملل به صورت جدی مورد توجه جهانیان قرار گیرد.

۷-۲- وضعیت صادرات نفتی و صادرات غیر نفتی: اصولاً آنچه که به عنوان وجه اشتراک در بین کشورهای در حال توسعه، می‌توان ملاحظه نمود، بحث وابستگی به اقتصاد تک محصولی است، بنابراین تفاوتی نخواهد نمود که این محصول نفت باشد یا نیشکر (محنت فر و خاکپور، ۱۳۸۴: ۹۹). در این اثنا، زمان اجرای برنامه سوم اقتصادی کشور فرا رسیده بود و دولت خاتمی با انجام برنامه‌ریزی، تلاش نمود تا به برخی از معیارها و اهداف برنامه دست یابد. همین امر موجب شد تا با استفاده از تعاملی که در سیاست خارجی، از سوی دولت هفتم و هشتم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد شده بود، به جهت فراهم بودن زمینه صادرات، برنامه‌ریزی برای افزایش تولیدات غیر نفتی رو به فزونی گذاشته و دولت با موفقیت توانست، اهداف برنامه سوم را در حوزه صادرات غیر نفتی تا حد کامل شدن به مرحله اجرا در آورد و این امر موجب شد تا افزایش صادراتی غیرنفتی تا سال ۱۳۸۲، در وضعیت مناسبی قرار گیرد.

۸- بازخورد کشورها در تامین منافع مادی دولت احمدی نژاد با سیاست تعامل

با توجه به برخی مخالفت‌های ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی با سیاستهای برخی از کشورهای اروپایی و آمریکا، بدیهی است که ایجاد مانع و مشکل در راستای موفقیت سیاست خارجی ایران در تامین منافع مادی از سوی این دسته از کشورهای اندک صورت پذیرد. بر این اساس دولت احمدی نژاد تلاش نمود تا این دسته از تحرکات را به نحوی دیگر بی اثر نماید. یکی از روش‌هایی که احمدی نژاد در سیاست خارجی اتخاذ نمود نزدیکی به کشورهایی بود که بیشترین تعداد را در مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل می‌دادند. بنابراین سیاست نزدیکی به کشورهای آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا موجب شد تا فضای مجمع عمومی سازمان ملل نسبت به ایران دارای نظر مثبت بوده و در این میان معدود کشورهایی که عضو شورای امنیت سازمان ملل بودند، الزاماً به جهت مقابله با فضای ایجاد شده و دستیابی به اهداف خود تصمیماتی اتخاذ نمایند که از سوی دیگر با وجود دو کشور هم پیمان ایران یعنی روسیه و چین و استفاده از حق وتو آنها، تصمیمات متخذه با شکست مواجه می‌گردید اما با این وصف بازخورد کشورها در تامین منافع مادی دولت احمدی نژاد را می‌توان در مصادیق زیر بیان نمود

۸-۱- رشد اقتصادی: علیرغم فشارهای زیادی که از سوی برخی دولت‌های غربی و آمریکا بر ایران وارد می‌آمد، اما دولت احمدی نژاد توانست با استفاده از موقعیت‌های ایجاد شده اقتصادی در منطقه و جهان و دستیابی به بازارهای متنوع در قاره آفریقا و آسیا، به موفقیت‌هایی نایل آید. هر چند که بدخواهان ایران، بسیار تلاش نمودند تا موجبات کاهش ارزش پول ملی ایران را فراهم سازند، اما این دسته از تحرکات اصولاً در تمام دولت‌های قبل از احمدی نژاد نیز به وقوع می‌پیوسته و لذا امر جدیدی برای دولت احمدی نژاد محسوب نمی‌گردید. با نگاهی به بحث امارهای درآمدی ایران مشخص گردید که در زمان دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، درآمد ایران به نسبت به سایر دوره‌های ریاست جمهور با افزایش درصدی فراوانی مواجه بوده که بیانگر درآمد مناسب در این مسیر است بالطبع آنچه که در چنین مواقعی قابل توجه است، هر چند که رشد اقتصادی نتوانست همچون با افزایش درآمدی رشد نماید اما با توجه به اتفاقات و فضای ایجاد شده بر علیه ایران، می‌توانست در زمان خویش، اقدامی موثر و قابل قبول باشد (ارغوانی پیرسلامی و غلامی، ۱۳۹۷: ۶۶).

۸-۲- محدود نمودن مشتریان نفتی ایران

با آغاز تحریم های سنگین بر علیه ایران، از سوی برخی از کشورها از جمله آمریکا، سیگنال های تهدید آمیزی از سوی کشورهای غربی به کشورهای طرف قرارداد با ایران مبنی بر منع معامله با ایران ارسال گردید. در چنین شرایطی احمدی نژاد ایستادگی و مقاومت اقتصاد کشور را در فروش نفت می دانست، تلاش نمود تا با استفاده از راهکارهای مختلف، خدشه ای به صادرات نفت ایران وارد نیاید و همین امر موجب شد تا درآمدهای نفتی ایران با کاهش مواجه نگردد، اما نکته مهم این بود که کشورهای طرف قرارداد با ایران که در گروه کشورهای در حال توسعه و ضعیف قرار داشتند، نیازمند شدید خرید نفت از ایران بودند و در چنین مواقعی به جهت تعداد زیاد کشورهای مذکور، اثرگذاری سیگنال های منفی تهدید آمیز از چندان اثری برخوردار نبوده و صرفاً یک یا دو کشور از گردونه خرید نفت و محصولات نفتی خارج شدند (مصلی نژاد، ۱۳۹۶: ۷۷). پیرامون تبعات ناشی از اعمال تحریم های سنگین در دولت احمدی نژاد در داخل کشور می توان به معضل بیکاری نیز اشاره نمود (حداد، ۱۴۰۰: ۵۹). این موضوع می تواند مشکلاتی را برای ایران ایجاد نماید به نحوی که تولید نفت را نیز با مشکلاتی مواجه سازد که بالطبع به هیچ عنوان به نفع منافع مادی ایران منظور نمی گردید. احمدی نژاد به جهت حل مشکل بیکاری، به یک راهکار دیگر اندیشید و آن ایجاد رونق بخش مسکن در ایران بود که می تواند بخش عظیمی از نیروی کار را به خود جذب نماید. بنابراین اجرای طرح مسکن مهر، موجب شد تا به صورت عمده و با نظارت دولت، بخش مسکن حتی با مساعدت کشورهای همچون ترکیه، ونزوئلا و بسیاری از کشورهای دیگر در ایران فعال شده و بخش عظیمی از نیروی کار بیکار را به خود جلب نماید. همین امر موجب شد تا موضوع صادرات و واردات ایران نیز با جهشی مناسب مواجه گردد زیرا تامین مصالح ساختمانی و بسیاری از ابزار و ملزومات برای اجرای مسکن مهر، از سوی تولیدات داخلی امکان پذیر نبوده و الزاماً بخشی از آن از کشورهای دیگر وارد می شد و همین امر موجب شد تا عملاً تهدیدات آمریکا و مدعیانش در این حوزه چندان با کارایی برخوردار نباشد. با این وصف می توان مشکل اصلی احمدی نژاد در حوزه اقتصاد و برنامه ریزی برای تامین منافع مادی داخلی را باید معضل بیکاری محسوب نمود (ایزدی، ۱۳۹۶: ۸۲).

۹- چالش های بازدارنده دستیابی به منافع مادی در دولت خاتمی

از جمله موانع مهم که موجب شد تا دولت خاتمی در اجرای برنامه های اقتصادی دولت و همچنین پیگیری سیاست خارجی خود با مشکل مواجه گردد، موضوع بازگشایی پرونده هسته ای بود (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷: ۱۱۴). از دیگر چالش ها می توان به حمله ۱۱ سپتامبر اشاره نمود که برخی رایزنی ها، به توسط دشمنان ایران، نوک پیکان اتهام را به سوی ایران نشانه می رفت که این خود می توانست در وضعیت سیاست های اقتصادی و کسب منافع مادی دولت خاتمی، موثر واقع شود. زیرا گمانه زنی ها تحت تاثیر فاجعه ۱۱ سپتامبر ریسک سرمایه گذاری در ایران را افزایش می داد. از سوی دیگر موضوع تاکید بوش در سال ۲۰۰۲ بود که ایران را به عنوان محور شرارت در منطقه معرفی نمود. بنابراین آنچه که می توانست برای ایران در عرصه بین المللی رخ دهد، تلاش آمریکا برای از بین بردن نظام حاکم بر ایران به بهانه برقراری دموکراسی بود (هسو، ۲۰۱۶).

۱۰- چالش‌های بازدارنده دستیابی به منافع مادی در دولت احمدی نژاد

قرار گرفتن کشور در مسیر تحریم و اعمال تحریم‌های بین‌المللی سنگین را باید یکی از مهمترین چالش‌های بازدارنده دستیابی به منافع مادی در این دولت دانست. هر چند که به نظر می‌رسد در برخی مواقع، پاره‌ای تصمیمات متخذه از سوی برخی مدیران، می‌توانست مشکلاتی را در تامین منافع مادی کشور فراهم سازد (فرسای، ۱۳۹۹: ۱۱۸).

همچنین یکی دیگر از مشکلات داخلی در زمان احمدی نژاد، دخالت برخی از نهادها و ارگانهای داخلی در امور دولت و اثرگذاری منفی بر سیاست خارجی دولت بود که به عناوین مختلف با اظهارنظرهای بی‌مورد و فاقد هرگونه پشتوانه علمی، موجب انزوای بیشتر ایران در نظام بین‌المللی می‌گردیدند که در این خصوص دولت هیچ واکنشی از خود بروز نمی‌داد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

نتیجه‌گیری:

دولت خاتمی تعامل را با کشورهای اروپایی و منطقه مدنظر قرار داده بود و احمدی نژاد از مفهوم تعامل در قبال کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقایی استفاده می‌کرد با این وصف در پاسخ به سوال اصلی تحقیق باید بیان نمود که هریک از دولت‌های خاتمی و احمدی نژاد، از مدل‌هایی نزدیک به ایدئولوژی خود در اتخاذ سیاستهای مناسب در سیاست خارجی بهره‌مند بودند. با این وصف دولت خاتمی با استفاده از سیاست تنش زدایی و ایجاد تعامل در گفتگوها، رابطه خود را با اتحادیه اروپا نزدیک‌تر نمود در صورتی که احمدی نژاد با توجه اوضاع زمان خویش، تلاش می‌نمود تا با استفاده از پتانسیل کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و در حال توسعه، اقدامات محدود کننده کشورهای اروپایی و آمریکا را با شکست مواجه سازد. بنابراین هر دو رئیس‌جمهور با اقدامات خود تلاش نمودند تا به هر طریق ممکن از پتانسیل‌های موجود در سیاست خارجی دولت خویش، در راستای تامین منافع مادی کشور استفاده نمایند. به نظر می‌رسد تفاوت در فضای سیاسی حاکم در روابط بین‌الملل، دو خاستگاه متفاوت را برای دو رئیس‌جمهور ایجاد نموده بود که هریک با توجه به شرایط اوضاع خویش، خط مشی سیاسی مربوطه را اتخاذ نمایند. در این میان، نباید از اثرات تحریم‌های بین‌المللی در کاهش راندمان نتایج حاصله به سادگی عبور نمود، هر چند که به نظر می‌رسد در صورت ایجاد هماهنگی بین دولت و برخی نهادهای انقلابی می‌توانست در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران موثر واقع شود. نکته مهمی که باید به آن توجه نمود این است که اصولاً هر دو رئیس‌جمهور، تلاش نمودند تا از ظرفیت‌های سیاسی ارتباط با کشور روسیه و چین در قبال خنثی نمودن برخی از تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل بهره‌مند گردند. همین امر تا حدودی مشکلات دستیابی به منافع مادی بوسیله دستگاه دیپلماسی را مرتفع می‌نمود.

اما به نظر می‌رسد برخی تصمیمات داخلی در سطح کلان کشور، موجباتی را در ایجاد موانع برای دستیابی به منافع مادی کشور از طریق دیپلماسی برای دولت خاتمی و احمدی نژاد ایجاد می‌نمود. از جمله این تصمیمات می‌توان به واگذاری مسئولیت پرونده هسته‌ای به برخی از اشخاصی که علیرغم تایید تعهدات آنها به نظام، ولی به جهت عدم تجربه کافی در این حوزه و به خصوص تخصص در حوزه علوم سیاسی، موجبات ناهماهنگی با دستگاه دیپلماسی شده و دستیابی دستگاه مربوطه را به اهداف گستره و مهم را با محدودیت ایجاد می‌نمود. بنابراین اینکه در یک جمع‌بندی تطبیقی بخواهد نتیجه‌گیری شود که یک دولت

بهتر از دولت دیگر در حوزه تامین منافع مادی کشور از موفقیت بیشتری برخوردار بوده، نمی تواند قیاسی معقول باشد، زیرا شرایط فعالیت هر دولت با دولت دیگر و فضای حاکم بر رفتارهای سیاسی سایر دول خارجی با نظام جمهوری اسلامی ایران با افت وخیزهای فراوانی مواجه بوده که فقدان هریک از این عوامل می تواند در افزایش و بهبود دستیابی به منافع مادی دولت ها را یاری نماید.

اما طرح پرونده هسته ای و ادامه در دولت های مورد بررسی، عامل ایجاد بسیاری از مشکلات بود شاید یکی از اشتباهات نظام در موضوع پرونده هسته ای، انتقال مسئولیت مذاکره به اشخاصی بود که در مسند روسای شورای عالی امنیت ملی قرار داشته و علیرغم تعهد به کشور، ولی فاقد تجربیات بین المللی در موضوعی به این مهمی بوده و فرصت های مناسبی به وسیله عدم احاطه به موضوع از طرف آنها از دست ملت ایران خارج گردید. لذا محدود نمودن دامنه تصمیم گیری در خصوص پرونده هسته ای موجب گردید تا برخی از مشکلات ابتدایی طرح پرونده هسته ای کاهش یابد. اما با این وصف پرونده هسته ای ایران موجبات اعمال تحریم های سنگین بر علیه کشور شد که روسای جمهور هریک با توجه به خط مشی های خویش تلاش برای کاهش اثرات آن داشتند که در اغلب مواقع به جز موارد معدود، با موفقیت همراه نبود.

در خصوص برنامه های توسعه اقتصادی باید به این نکته اشاره نمود که تنها برنامه چهارم توسعه اقتصادی در زمان احمدی نژاد به جهت بی اهمیت دانستن او در این خصوص، نتوانست به خوبی اجرا گردد و همین موجب گردید تا اقدامات قبلی نیز که به دنبال آنها باید برنامه چهارم اجرا می شد، بدون اجرا باقی مانده و در این خصوص کشور با مشکلات اقتصادی بیشتری مواجه گردد. با این وصف اجرای برخی سیاست های کلان اقتصادی کشور در ایجاد همسویی یا عدم همسویی با برنامه های دولت خاتمی، احمدی نژاد، در دستیابی به اهداف اقتصادی پیش بینی شده در راستای منافع مادی جمهوری اسلامی ایران موثر بودند.

فهرست منابع:

- ارغوانی پیرسلامی. فریبرز و غلامی. محمدحسن (۱۳۹۷)، «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه های توسعه، آسیب شناسی برنامه های چهارم تا ششم»، مطالعات حقوقی شیراز. شماره ۲
- امیدی. علی و قلمکاری. آرمین (۱۳۹۸)، «تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی مقایسه دولت های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت، ۱۳ (۴۶).
- امینیان، بهادر و زمانی، حسام الدین، (۱۳۹۶)، «دیپلماسی اجبار آمیز»، تهران دانشکده روابط بین الملل.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۶)، دیپلماسی و تجارت خارجی ج. ا. ایران، نشر حامی
- برزگر. کیهان (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه ای». فصلنامه راهبردی، ۲۱ (۴)
- چترچی، چارلز (۱۴۰۱)، «دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی»، ترجمه رضا توکلی و همکاران، تهران نشر دانشگاه امام جعفر صادق (ع)
- حاجیلو. محمدحسین (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست دولت های پس از جنگ تحمیلی در شاخصه های خصوصی سازی و ادغام اقتصاد جهانی» سیاست اقتصادی، شماره ۴۱. ۹۷-۱۱۴.
- حداد، غلامرضا (۱۴۰۰)، روایتی از چیستی و چرایی سیاست خارجی دولت محمود احمدی نژاد، تهران نشر شرکت چاپ پخش سهامی خاص
- خالوزاده، سید (۱۳۹۱)، «موانع و چالش های فرا روی ایران و اتحادیه اروپایی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶
- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷)، «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش های پیش رو، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۲ (۴).
- دیانت. محسن و نجات پور. مجید (۱۳۹۶)، «توسعه از دیدگاه جریان اسلامگرای شریعتمدار پس از انقلاب اسلامی»، تهران فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی ۱۱ (۴۱). ۱۳۳-۱۵۵.
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵)، «چالش ها و ضرورت های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۸). ۳۵۸-۳۲۵.
- سیمبر. رضا، رضا پور. دانیال و آذین. صدیقه (۱۳۹۹)، «سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام ۲ (۴).
- طارمی، کامران و مرادی. ایرج (۱۳۹۳)، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در سه دهه اخیر»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل ۸ (۲۸).
- ظریف، محمدجواد، سجادپور، محمد کاظم و مولایی، عبدالله (۱۳۹۶)، دوران گذر روابط بین الملل در جهان پساعربی، تهران نشر اداره وزارت امور خارجه.
- عباسی. ابراهیم، صالحی. سیدجواد و حسن وند. مظفر (۱۳۹۶)، «دیپلماسی هسته ای ایران در دولت های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی»، رهیافت سیاسی و بین المللی، ۷ (۴۳)

عرب، زهرا، (۱۳۹۸)، بررسی ثبات و تغییر در سیاست خارجی دوره اول و دوم دولت حسن روحانی، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی

فرسای. شهرام (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ارائه یک مدل کارا و اثر بخش برای آینده، رساله دکتری، دانشگاه بین المللی امام خمینی

کریمی دستانی، طاهره، (۱۳۹۷)، وضعیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران و جهان در سال ۲۰۱۸، تهران وزارت بازرگانی اتاق صنایع محمدی سیرت، حسین، (۱۳۹۹)، سیاست خارجی ج. ا. ایران، منافع ملی و اصول اسلامی، تهران نشر امام جعفر صادق (ع) محنت فر. یوسف و خاکپور. حسین، (۱۳۸۶)، ارزیابی میزان صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران، یک تحلیل تجربی، مجله اقتصادی ۵ (۵۲). ۹۱-۱۱۲

مصلی نژاد. عباس، (۱۳۹۴)، تاثیر سیاست تحریم بر مذاکرات هسته ای ایران، ژئوپلتیک، شماره ۳ پاییز صص ۱-۳۲

نوری، وحید و ملکوتی، صمد، (۱۳۹۱)، جایگاه عدالت طلبی در منابع هویت سازی سیاست خارجی، سال ۲۶

یوسفی، محمدقلی، (۱۳۹۲)، بنیان های نهادی اقتصادی آزاد، تهران نشر نهادگرا.

Altoraifi, Adel (۲۰۱۲), " Understanding the role of state identity in foreign policy decision making The Rise and Demise of Saudi-Iranian Rapprochement (۱۹۹۷-۲۰۰۹)", A thesis submitted to the Department of International Relations of the London School of Economics and Political Science for the degree of Doctor of Philosophy London, October ۲۰۱۲

Fouquet, S., & Brummer, K. (۲۰۲۳). Populist Leadership, Economic Shocks, and Foreign Policy Change. In Shocks and Political Change: A Comparative Perspective on Foreign Policy Analysis (pp. ۱۰۱-۱۲۷). Singapore: Springer Nature Singapore

Hsu, S. (۲۰۱۶). China's Relations with Iran: A Threat to the West?. The Diplomat, ۲۷.

Molavi, A. (۲۰۱۰). Iran and the Gulf states. The Iran Primer, Washington DC, USIP, ۱۵۹-۱۶۱

Phillips, J. (۲۰۱۶). The dangerous regional implications of the Iran Nuclear Agreement. Heritage Foundation Backgrounder, (۳۱۲۴)

Wehrey, Frederic, Karasik, Theodore, Nader, Alireza, Ghez, Jeremy, Hansell, Lydia and Guffey Robert (۲۰۰۹), "Saudi-Iranian relations since the fall of Saddam: rivalry, cooperation, and implications for US policy", Available at: [https:// www.rand.org/ pubs/monographs/ MGA۴۰.html](https://www.rand.org/pubs/monographs/MGA۴۰.html)